

نقدی بر کتب تازه تألیف مهارت‌های نوشتاری هفتم و هشتم

■ اسماعیل رحیم‌زاده آوانسر

دانشجوی دوره دکترای زبان و ادبیات فارسی

■ چکیده

هدف مقاله حاضر نقد و بررسی کتاب‌های «مهارت‌های نوشتاری پایه‌های هفتم و هشتم» است. نگارنده در بخش اول ضعف‌های انشانویسی دانش‌آموزان این دوره را بررسی کرده و به تبع آن، نقش کتاب‌های حاضر را در برطرف کردن این ضعف‌ها بیان نموده است.

سپس ساختار انشا را در مقایسه با آموزه‌های کتاب‌های اخیر به تصویر کشیده و در بخش دوم به نقد و بررسی ساختار دروس پرداخته است.

کلیدواژه‌ها: انشا، مشکلات نوشتن فعال انشا،

اجزاء انشا، مهارت‌های نوشتاری، ضعف و قوت‌ها، ساختار ظاهری

■ مقدمه

نوشتن شکل پیچیده‌ی زبان است. بین قدرت نوشتن و توانایی خواندن و درک مطلب رابطه مستقیمی وجود دارد. پس دانش آموز زمانی می‌تواند به خوبی این مهارت را به دست آورد که در ارکان دیگر زبان، توانایی لازم را کسب کرده باشد. مهارت در نوشتن و نگارش مستلزم داشتن اطلاعات مقدماتی و توانایی تبادل افکار و اندیشه‌هاست. از طرفی، یکی از اهداف اساسی درس انشا در مدارس تقویت قوه استدلال و تفکر و دقت دانش‌آموزان و وادار کردن آن‌ها به درست دیدن و درست شنیدن و سپس دیده و شنیده خود را به طرز ساده و روشن بیان کردن و نوشتن است.

این کار از جمله‌سازی ساده شروع می‌شود و تا نوشتن مقاله در یک موضوع و کسب مهارت در نگارش پیش می‌رود.

اما دیرگاهی است که درس انشا مفهوم خلاقیت و انگیزش خود را از دست داده و به درسی

خسته‌کننده تبدیل شده است. وقتی اسم انشا می‌آید موضوع‌های تکراری همچون: «تابستان خود را چگونه گذرانده‌اید؟»، «یک دانش‌آموز خوب چه صفاتی باید داشته باشد؟» و... در ذهن بچه‌ها تداعی می‌شود. در صورتی که یکی از دروس محوری زبان و ادبیات فارسی همین درس است که نقش عمده‌ای در زندگی فراگیرندگان دارد. این مقاله سعی دارد در حد توان به نقد و بررسی کتاب‌های تازه تألیف مهارت‌های نوشتاری با توجه به ساختار و اهداف انشا در دوره متوسطه اول بپردازد.

انشا

انشا در لغت به معنای ایجاد، پرورش، ابداع و خلق کردن است و آنچه امروزه فن انشا نامیده می‌شود، از نخستین معنای آن (ایجاد) گرفته شده است، یعنی انشا به معنای ایجاد کلام و سخن و نگارش آن است و معادل فارسی آن «بیری» است به معنای منشیگری و کتابت، فنی است که انسان به وسیله آن می‌تواند خواسته‌های خود را روی کاغذ بیاورد.^۱ انشا مرحله نگارش فعال (خلاق) است که خود هدف غایی آموزش مهارت نوشتن می‌باشد. تمام مراحل قبلی نوشتن - یعنی رونویسی، کلمه‌سازی، جمله‌سازی و املا - در واقع مقدماتی هستند که دانش‌آموزان را برای نگارش خلاق آماده می‌سازند.

در برنامه‌ریزی آموزشی نقش انشا این است که فرصت‌های لازم را جهت یادگیری مهارت‌های متنوع نوشتن فعال برای دانش‌آموزان فراهم کند؛ مهارت‌هایی چون نوشتن توصیفی، واقعه‌نگاری، خاطره‌نویسی و نامه‌نگاری شخصی (در دوره ابتدایی) و گزارش‌نویسی، زندگی‌نامه‌نویسی (بیوگرافی)، سفرنامه‌نویسی، نوشتن نامه‌های اداری، قراردادها و... (در دوره دبیرستان و راهنمایی) (زندگی، ۱۳۸۵:

انشا مرحله نگارش فعال (خلاق) است که خود هدف غایی آموزش مهارت نوشتن می‌باشد. تمام مراحل قبلی نوشتن - یعنی رونویسی، کلمه‌سازی، جمله‌سازی و املا - در واقع مقدماتی هستند که دانش‌آموزان را برای نگارش خلاق آماده می‌سازند

۱۶۰). برای اینکه دانش‌آموزی بتواند انشا بنویسد، نخست باید «اندیشه‌ای» یعنی حرفی برای گفتن داشته باشد. سپس «انگیزه‌ای» و نیازی باید در کار باشد که بخواهد اندیشه‌اش را با دیگری در میان بگذارد و سرانجام، باید بداند که «چگونه» آن اندیشه را بر روی کاغذ بیاورد تا دیگری با خواندن آن «همان» را دریابد که او می‌اندیشیده است. انشا چیزی جز بازگویی اندیشه‌ها و احساسات و عواطف و آفریدن اثری نو نیست.^۲

مشکلات نوشتن فعال (انشا)

۱. ضعف در جهان‌شناسی و شناخت جامعه. برخی از دانش‌آموزان از مفاهیم، واقعیت‌ها، طبیعت، انسان و ارتباط این مسائل با هم شناخت کافی ندارند. همچنین، سوابق تجربی آنان در زمینه‌های مختلف ناکافی یا بسیار محدود است؛ مثلاً کودکی که تجربه لازم را در مورد سفر و مسافرت ندارد، هرگز نخواهد توانست در این زمینه انشای مطلوبی بنویسد. به همین دلیل، به کارگیری روش آموزش تجربه‌زبانی در درس انشا به این افراد، مطلوب‌ترین شیوه کار است. ترتیب دادن گردش‌های علمی و نمایش فیلم نیز برای افزایش دانش برون‌زبانی دانش‌آموزان ثمربخش خواهد بود.

۲. ضعف در سازماندهی افکار خویش.

دانش‌آموزان قادر نیستند افکار و پیام‌های خود را به‌طور صحیح طبقه‌بندی کنند. مطالبی که این‌گونه افراد روی کاغذ می‌آورند دچار تشتت است و جمله‌ها و بند موجود در انشای آنان نیز در هم و مغشوش به نظر می‌رسد. تمرین‌های انفرادی ویژه با این دانش‌آموزان یکی از چاره‌های اساسی رفع این مشکل است.

۳. ضعف در تبدیل افکار خود به زبان مکتوب.

دانش‌آموزان با وجود شناخت و تجربه کافی از موضوع انشا و همچنین توانایی لازم برای سازماندهی افکار خود نمی‌توانند هنگام انشانویسی عناصر و قواعد مناسب زبان نوشتاری را به کار ببرند. واژگان ناکافی، خطاهای دستوری و خطاهای ویرایشی را می‌توان از علل این ناتوانی آن‌ها دانست.

واژگان ناکافی.

دسته‌ای از دانش‌آموزان به‌علت ضعف در درس فارسی و همچنین نداشتن مطالعات غیردرسی ذخیره واژگانی محدودی دارند. حتی گروهی از آنان ممکن است واژگان گفتاری و شنیداری مناسبی داشته باشند، ولی شمار واژگان خواندنی و نوشتاری آنان نسبت به سطح تحصیلاتشان اندک است و به همین دلیل در نوشتن انشا نمی‌توانند ابزار لازم، یعنی کلمات، را به‌استخدام در آورند. با معرفی نشریات ویژه کودکان و نوجوانان و کتاب‌های مفید به این‌گونه دانش‌آموزان، می‌توان ذخیره واژگانی آنان را تقویت نمود.

خطاهای دستوری.

برخی دانش‌آموزان هنگام نگارش انشا

جمله‌های ناقص یا جمله‌های حاوی افعال نامناسب و مواردی از این قبیل می‌نویسند. این‌گونه خطاها به ضعف آموزشی آنان مربوط است و از رعایت نکردن نکات دستور زبان ناشی می‌شود. مهم‌ترین خطاهای دستوری مثلاً نوشتن عبارت‌انداز:

۱. حذف کلمات لازم

۲. افزودن کلمات غیر ضروری

۳. مطابقت نداشتن فعل و فاعل

۴. رعایت نکردن زمان جمله

۵. ناهماهنگی زمان جمله‌ها در متن

ارائه تمرین‌های متنوع و متناسب با ضعف‌های هر دانش‌آموز تا حد زیادی این مشکل را برطرف می‌سازد.

خطاهای ویرایشی؛ دسته‌ای از دانش‌آموزان به دلیل دریافت

نکردن آموزش کافی قادر نیستند مسائل فنی زبان نوشتاری را به‌خوبی رعایت کنند؛ مسائلی همچون نقطه‌گذاری درست (مانند نقطه، علامت پرسش و...) و رسم‌الخط صحیح.

گاهی دانش‌آموزان این نشانه‌ها را اصلاً به کار نمی‌برند و گاهی آن‌ها را به غلط و جا به جا به کار می‌گیرند (زندى، ۱۳۸۵: ۲۳۰-۲۳۹).

یکی از معایب آموزش انشا در کشور ما این است که انشا را درسی احساسی و عاطفی تلقی می‌کنیم و آن را بیشتر با تخیل مرتبط می‌سازیم؛ در حالی که می‌تواند وسیله ارتباطی و در خدمت اطلاع‌رسانی باشد. در واقع، این تصور در ذهن ما نقش بسته که کسی که انشاهای آکنده از صنایع ادبی بنویسد و شعر بسراید بهتر است؛ در صورتی که این یک درس فنی است و باید تجلیگاه مفاهیم و معلومات بشری باشد. مشکل دیگر این است که ما برای انشا مرزبندی مشخص یا به سخن دیگر، سطریندی مشخص نداریم؛ مثلاً معلوم نیست که در دوره ابتدایی، در دوره راهنمایی و دوره متوسطه آن را تا چه سطحی باید بخوانیم.

برنامه درسی انشا برای بیشتر دبیران و دانش‌آموزان ما مبهم است. برای این درس اهداف رفتاری تعریف نشده است و میزان پیشرفت آن را به عهده معلم مربوطه گذاشته‌اند.

چگونگی پوشش خطاهای یادشده در کتب تازه

تألیف مهارت‌های نوشتاری

برای برطرف کردن خطاهای یاد شده، این کتاب‌ها با ساختار موجود کافی نیستند؛ زیرا:

۱. متن‌ها آن قدر گیرایی ندارند که بتوانند نظر دانش‌آموز را به خود جلب کنند و درباره جامعه پیرامون دانش‌آموز به او شناخت کافی بدهند.

۲. درس‌های: «درست‌نویسی» که با هدف رفع خطاهای نگارشی و دستوری تدوین شده‌اند، به دلیل قرار گرفتن در زنجیره متنوع فعالیت‌ها و ناکافی بودن اطلاعات از کارایی شایسته و بایسته‌ای ندارند.

۳. دروس این کتاب‌ها با فصول کتاب‌های فارسی مطابقت ندارند؛

این امر بین مهارت‌های خوانداری و نوشتاری شکاف ایجاد کرده و به تبع آن، مانع تقویت مفاهیم ذهنی دانش‌آموزان شده است

اجزاء انشا ۱. موضوع انشا

معمولاً از دانش‌آموزان می‌خواهیم که در مورد موضوعی که ما معین می‌کنیم انشایی بنویسند. آنچه در این میان مهم به نظر می‌رسد این است که ما ویژگی‌های فراگیرندگان را بشناسیم و سپس براساس آن ویژگی‌ها موضوع انشا را طرح کنیم. به اعتقاد روان‌شناسان به خصوص ژان پیاز، نوجوان از لحاظ رشد در مرحله‌ای قرار دارد که می‌تواند در غیاب اشیا و پدیده‌ها به تجسم و تخیل درباره آن‌ها بپردازد؛ در حالی که تفکر او در دوره ابتدایی، تفکر انضمامی بوده است؛ یعنی به‌طور عینی همراه با خود اشیا به تفکر می‌پرداخت اما اکنون قادر است به تفکر انتزاعی بپردازد. (قاسم پورمقدم و مظفریان، ۱۳۷۶: ۱۰)

اگر دانش‌آموز درباره موضوعی که برایش تعیین می‌کنیم تجربه کافی و سخنی برای گفتن نداشته باشد، شک نیست که به نوشتن «وادار» می‌شود نه برانگیخته. بنابراین، قبل از آنکه از دانش‌آموزان بخواهیم مطلب بنویسند باید مطمئن شویم که در خواندن و درک مطلب از روی نوشته مشکلی ندارند و قادرند با خواندن یک متن مقصود و منظور نویسنده آن را به‌خوبی دریابند.

اگر دانش‌آموز را در گزینش موضوع مشارکت دهیم و رغبت، دانش، تجربه و توانایی او را اساس قرار دهیم و فهرستی از کتاب‌ها و نوشته‌هایی را که می‌تواند از آن‌ها در زمینه موضوع انشا بهره گیرد، در اختیارش قرار دهیم و به او این آزادی را بدهیم که از افراد مطلع در مورد موضوع پرس‌وجو کند، او را به مشاهده و مصاحبه و گزارش‌نویسی برانگیزیم و در کنار این‌ها امانت‌داری در استفاده از منابع را هم به وی بیاموزیم، هم اندوخته‌های ذهنی‌اش را گسترش داده‌ایم و هم او را به نوشتن انشا برانگیخته‌ایم.

برخی از همکاران موضوع‌های انشا را به دو گروه «توصیفی» و «توضیحی» تقسیم می‌کنند و نوشته‌ای را توصیفی می‌دانند که در آن اساس کار نویسنده بر مشاهده و تجربه است. در این‌گونه نوشته‌ها نویسنده به روش علمی هر چیز را همان‌طور که هست وصف می‌کند، نه آن‌گونه که باید باشد.

در نوشته‌های توضیحی، اساس کار نویسنده بر استدلال و قیاس و استنتاج و وجدان اخلاقی است. در این‌گونه نوشته‌ها، نویسنده هر چیز را همان‌گونه که باید باشد، یا شایسته است دگرگون شود، بیان می‌کند و به سود و زیان و نیکی و بدی اثرش و تأثیر اجتماعی آن در خواننده توجه دارد و سعی می‌کند برای جامعه سودمند باشد. با توجه به تجربه اندک نوجوانان، به خصوص در دوره متوسطه اول، که سود و زیان جامعه برای آنان معنا و مفهومی دیگر دارد و اغلب از نوشتن در این زمینه باز می‌مانند و یا دچار گمراهی می‌شوند، بهتر است در دوره ابتدایی و نوجوانی موضوع‌ها توصیفی

و عینی باشند؛ مثلاً «کلاس ما»، «شهر ما»، «خانه من» و ... اما در دوره متوسطه با توجه به تجربه دانش‌آموزان می‌توان موضوع‌های ذهنی مثل «نیکوکاری»، «احسان و بخشش»، «تأثیر وسایل ارتباط جمعی در زندگی» و ... را نیز مطرح کرد.

نکته جالب توجه دیگر این است که اغلب همکاران در سر جلسه امتحان انشا با این سؤال بچه‌ها مواجه شده‌اند که «آقا یا خانم، چند سطر بنویسیم؟» آیا از خود پرسیده‌ایم که چرا این سؤال را مطرح می‌کنند؟ برای نوشتن یک انشای کامل تمرکز حواس به منظور تفکر منطقی جهت آماده‌سازی یک طرح منظم ذهنی در اندیشه، ضرورت اساسی دارد. اگر به این نکته به‌طور عمیق بنگریم، متوجه خواهیم شد که ما چارچوب و طرح منسجم و چگونگی طراحی آن را به دانش‌آموز یاد نداده‌ایم تا آغاز و پایان انشا را در ذهن خود به همراه زوایای مختلفش تصویر کند و نقطه آغاز و پایان انشا را با آغاز سخن و پایان کامل مطلب قرین سازد نه با تعداد سطر. در این میان، آموزش طرح انشا اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند.

موضوع انشا در کتاب‌های تازه تألیف مهارت‌های نوشتاری

۱. در کتاب‌های مورد نظر به موضوعات داده شده از نظر رشد ذهنی دانش‌آموزان توجه کافی شده است (سیر موضوعی از توصیفی به توضیحی)؛ تا جایی که در مهارت‌های نوشتاری هفتم هفت درس کتاب به موضوعات توصیفی پرداخته که با هوش انضمامی بچه‌ها سازگاری دارد و از درس هشتم پایه هفتم و در هشت درس پایه هشتم به موضوعات توضیحی و تخیلی پرداخته است.

۲. اما آنچه در زمینه موضوعات انشایی باید گفت این است که این موضوعات انگیزش لازم را در دانش‌آموزان به وجود نمی‌آوردند. موضوعاتی مثل پاییز، حیاط مدرسه، زبان‌های بی‌سواد، صدای باران و ... به سخن دیگر، انشا از حالت روان‌شناختی که اساس تدوین کتب فارسی در دوره متوسطه اول است، خارج شده است و همچنین با فصول کتاب‌های فارسی ارتباط لازم را ندارد. به سبب همین امر، دانش‌آموزان مناطق دوزبانه که گنجینه واژگانی کافی ندارند، در آفرینش واژه‌های جدید ناتوان می‌شوند. بنابراین لازم است در خصوص تدوین موضوعات انشایی بازنگری کلی شود.

۳. ضعف دیگر این کتاب‌ها این است که موضوعات انشایی را براساس پایه تحصیلی طبقه‌بندی نکرده‌اند و این مورد یکی از ضعف‌های اساسی درس انشاست. مثلاً معلوم نیست در پایه هفتم دانش‌آموزان کدام مهارت‌ها را در نوشتار خواهند آموخت یا مثلاً موضوع: «خاطره نویسی» مختص کدام پایه است.

۴. مورد بعدی در این زمینه تنوع فعالیت‌هاست که آموزش اساس انشا را مختل می‌سازد.

طرح انشا

طرح انشا عبارت است از چارچوبی کلی و منظم شامل قسمت‌های مختلف و مهم موضوع انشا و هدف از تنظیم طرح انشا، نظم و



۳. متن

متن مهم‌ترین بخش انشاست؛ زیرا در بردارنده بررسی و تحلیل جنبه‌های مختلف موضوع و ارائه دلایل و تبیین‌هایی است که در شرح و توضیح موضوع می‌آید.

در نوشتن متن باید به چند نکته اساسی توجه کنیم:

الف - ساده‌نویسی: مقصود از ساده‌نویسی این نیست که جملات کودکانه و بی‌پیرایه بنویسیم بلکه مقصود این است که از کاربرد کلمات نامأنوس و جملات مبهم و طولانی خودداری کنیم. نوشته در عین سادگی، باید از استحکام و ذوق هنری و زیبایی برخوردار باشد (معینان، ۱۳۸۰: ۳-۴).

ساده‌نویسی بیش از آنکه به لفظ مربوط باشد، مربوط به معنی و مفهوم است؛ یعنی باید مضامین نوشته‌های ما طوری ماهرانه و با لطف و دقت ترتیب یابد که قابل فهم باشد (وزین‌پور، ۱۳۴۹: ۵۹). معلم انشا برای تحقق این هدف باید به گونه‌ای فرق زبان و ادبیات فارسی را در عین درهم تنیدگی‌شان در طول دروس فارسی و قالب‌های زیبای ادبی بیان کند و دانش‌آموزان برانگیزد که ادبی بنویسند.

ب - جملات کوتاه: معمولاً ۹۰ درصد مردم جمله‌هایی را که از ۸ کلمه ترکیب یافته‌اند، با یک بار خواندن متوجه می‌شوند (سرکشیکی و امیری، ۱۳۶۹: ۳۰-۲۹).

معلم می‌تواند با بررسی انشای دانش‌آموزان، جملات کوتاه و پرمعنی آن‌ها را به عنوان نکات برجسته انشاهایشان مطرح کند؛ به گونه‌ای که الگویی مناسب برای سایر دانش‌آموزان باشد. در این کتاب‌ها ساختار نوشته‌ها بر ساده و سالم‌نویسی استوار است و آن‌ها از این جهت مناسب‌اند.

ج - انتخاب بهترین واژه: به دو دسته از کلمات مترادف زیر توجه می‌کنیم:

ع پایان، آخر، انتها، ته

ع مو، گیسو، زلف، طره

ضمن اینکه در این کتاب‌ها به این مسئله مهم توجه شده، لازم است معلمان محترم نیز در تدریس خود به آن توجه کنند.

د) استفاده از پاراگراف یا بند: پاراگراف یا بند عبارت است از جمله یا مجموعه جمله‌هایی که فکری واحد را بیان کند. هر نوشته به بندها یا فکری تقسیم می‌شود. هر یک از این بندها جمله یا مجموعه جمله‌هایی است که بین آن‌ها ارتباط و همبستگی لفظی و معنایی وجود دارد و مجموعاً مطلب یا مفهومی کامل یا مستقل را می‌رساند (ماحوزی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

هر بند سه وظیفه عمده برعهده دارد:

الف) جلب توجه خواننده به موضوع و فکر اصلی نوشته؛

ب) پرورش فکر اصلی نوشته به کمک بندها (پاراگراف‌ها) برای جلوگیری از انحراف فکر خواننده و قطع علاقه او؛

پ) اعلام نتیجه (همان: ۱۵۷).

محتوای این کتاب‌ها به دلیل ساختاری (که از نثر ادبی معاصر

انسجام دادن به انشا و ایجاد ارتباط و هماهنگی میان مطالب، پخته و منطقی کردن قسمت‌های مختلف و در نهایت، «نوشتن» به صورتی «کامل و روان» است.^۴ برای تهیه یک طرح خوب نکات زیر را به دانش‌آموزان یادآور

می‌شویم:

۱. تفکر، ۲. تهیه منابع برای مطالعه، ۳. مطالعه، ۴. تنظیم طرح نمونه‌ای از طرح انشا برای دوره راهنمایی؛ موضوع: شهر خود را توصیف کنید.

۱. مقدمه - معرفی

۲. شرح وضعیت جغرافیایی

۳. آثار تاریخی و فرهنگی

۴. مکان‌های تفریحی، آموزشی و مذهبی و...

۵. شرح کمبودها و نواقص

۶. نتیجه‌گیری.


طرح انشا در کتب تازه تألیف مهارت‌های نوشتاری

در این کتاب‌ها با عنوان «طبقه‌بندی ذهن» به این موضوع توجه کافی شده است، به‌خصوص، با دادن شکل ذهنی در صفحات ۱۶ و ۱۷ پایه هفتم و به تبع آن، متن‌های تشخیصی و تمرین‌های مربوطه و نیز آموزش بندنویسی و ساختار هر بند که نقش برجسته‌ای در صورت ظاهری و باطنی نوشته ایفا می‌کند، از نکات مثبت این کتاب‌هاست.

۲. مقدمه

این بخش به عنوان آغاز گفتار یا انشا، اول، باید ذهن خواننده یا شنونده را برای ورود به متن آماده کند. دوم، چنان انفعال و کشتی ایجاد کند که لازمه توجه و دقت به انشاست. سوم، در بردارنده نکات اصلی و برجسته متن و نمایانگر خط حاکم بر آن باشد. به هر صورت باید جالب نظر و توجه باشد. به طوری که حتی بی‌دانستن موضوع، خواننده یا شنونده بتواند آن را حدس بزند. در واقع، مقدمه پلی است فنی و عاطفی، میان حوزه‌های موضوع و متن (ماحوزی، ۱۳۸۳: ۱۴۹).

در این کتاب‌ها و در بخش طبقه‌بندی ذهن و بندهای مقدمه و نتیجه و نیز ساختار هر بند، جایگاه مقدمه به وضوح مشخص شده است؛ به‌خصوص در تمرین‌های تشخیصی، مؤلفان محترم با مهارت به آموزش مهارت مقدمه‌نویسی در متن پرداخته‌اند.



تبعیت می‌کنند) و نیز ساختار دروس (تقسیم هر درس به سه بخش «تدریس، تشخیص و تولید و داوری» و نیز اختصاص متن‌های آموزشی در این خصوص، توانسته است از عهده این مهم برآید اما همان‌طور که در پیش اشاره رفت، از نظر تقویت محتوایی و گیرایی متن‌ها لازم است بازنگری شوند.

۴. نتیجه

نتیجه یعنی آنچه نویسنده پس از تحلیل، توضیح، استدلال و آوردن نمونه در رد یا اثبات موضوع به آن می‌رسد، معمولاً به صورت یک بند در پایان انشا می‌آید. مگر آنکه کمیت و کیفیت نتیجه و توالی و تناسب آن با متن، وجود بند یا بندهای دیگری را ایجاب کند. گاهی نتیجه انشا در مقدمه یا متن نهفته است. در این صورت، نیازی به تکرار و تشکل آن در پایان نیست (سرکشیکی و امیری، ۱۳۶۹: ۳۰ - ۲۹). مثل: هدف این نوشته بیان ویژگی‌های یک دانش‌آموز خوب در مدرسه است و می‌خواهد...

در مورد ترتیب باید دقت زیادی به عمل آورد. یک [انشا] و مقاله نفسی‌ری باید هر چه به آخر نزدیک‌تر می‌شود، مطالب مهم‌تری را مورد بحث قرار دهد. چنین مقاله‌ای باید در آخرین قسمت مهم‌ترین، پرمعنی‌ترین، قوی‌ترین و جالب‌ترین قسمت را در برگیرد. به دلایل زیادی نویسنده مایل است که خواننده‌اش به صورت مؤکدترین قسمت مقاله به آن بنگرد. می‌توان مطالب این مقاله را به صورت امواجی پی‌درپی نگریست که ارتفاع هر یک از موج‌های قبلی - از حیث اهمیت نه طول مطلب - بیشتر می‌شود. پایان مقاله باید طوری باشد که خواننده ناخودآگاه بدان سو کشیده شود و چنان پایانی به نظرش بدیهی و قانع‌کننده برسد.

در این کتاب‌ها نتیجه و بند نتیجه به شکل مشخص و در ذیل طبقه‌بندی ذهن آمده که تحول ارزشمندی در نوشتن انشا در این دوره است اما برای رسیدن به اهداف ذکر شده در مورد نتیجه به نظر می‌رسد راهی نسبتاً طولانی در پیش داریم؛ چون در انشاهایی که به عنوان نمونه داده شده است، این اهداف کاملاً پوشش داده نشده‌اند و تمرین‌های مربوطه به این بخش اندک‌اند. مثال:

«پس اولین کاری که به عنوان یک نویسنده، انجام می‌دهید، باید این باشد که به خودتان اجازه نوشتن یک پیش‌نویس اولیه را بدهید.» (ص ۱۹ مهارت‌های نوشتاری هفتم)

ساختار ظاهری کتاب‌های آموزش مهارت‌های نوشتاری هفتم و هشتم ساختار کلی کتاب

۱. شروع هر دو کتاب با «ستایش» و پایان یافتن آن‌ها با «نیایش» ساختار کتاب‌های فارسی را در ذهن مخاطب و فراگیرنده تداعی می‌کند که نکته با ارزشی است و با عرف ادبی ما سازگاری دارد. (نگارش بند آغازین ستایش و همگونی آن با نگارش انگیزش مناسبی برای فراگیری این درس ایجاد می‌کند.)

۲. تقسیم درس‌ها به ۸ فصل که از نقشه ذهنی شروع می‌شود و به نگارش موضوعات ذهنی و تخیلی پایان می‌یابد (سیر ذهنی از

انضمامی به انتزاعی)، تطابق ساختاری این کتاب‌ها را با مراحل نوشتن - که از تفکر شروع و به بازبینی ختم می‌شود- بیان می‌کند. این امر پیش‌زمینه آموزش‌های سال‌های آتی فراگیرندگان خواهد بود.

۳. طراحی جلد هر دو کتاب با نمادهای نوشتاری و تناسب رنگ برای این سن مناسب است.

ساختار دروس

در این کتاب‌ها هر درس به سه بخش به شرح زیر تقسیم شده است.

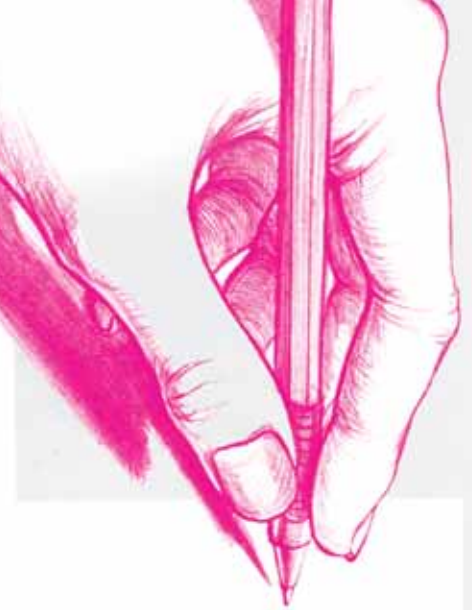
۱. متن درس

- درس به دو روش مستقیم و غیرمستقیم ارائه شده است. الف) مستقیم؛ ارائه اطلاعات از سوی دانای کل ب) غیرمستقیم به کمک قالب‌هایی چون: داستان، خاطره، حسب‌حال و...

۲. فعالیت‌های نگارشی

الف) فعالیت شماره یک با هدف تقویت توانایی تشخیص طراحی شده است. این بخش انشا را از بحث ارزشیابی صرف سال‌های قبل در می‌آورد و آموزش را به عنوان موضوع تازه بر این بخش می‌افزاید. ب) فعالیت شماره دو با هدف پرورش توانایی نوشتن و تولید دانش‌آموزان طراحی شده است. در این بخش، نکته‌ای که لازم است گفته شود این است که:

۱. موضوعات انشا براساس پایه تحصیلی طبقه‌بندی نشده‌اند؛



تصویر تدوین شده است. به عبارت دیگر، تبدیل خوب دیدن به خوب اندیشیدن و ایجاد فرصت برای تفکر، اما تصاویر با واقعیات عالم دانش‌آموزان این دوره چندان تطبیقی ندارند. برای مثال، تصویر صفحه ۲۳ پایه هفتم، یا تصاویر صفحه ۵۴ هفتم و ۳۹ و ۷۸ هشتم از نظر حجم گنجایش در صفحه مربوطه و نیز تناسب رنگ برای دانش‌آموزان لذت‌چندانی ندارند.

۵. حکایت‌نگاری: با هدف بازنویسی به زبان ساده مورد تأکید است. تنوع مطالب و آمیختگی با باورها و هنجارهای اجتماع بر لذت این بخش افزوده است.

۶. مثل نویسی: در مثل نویسی، بازآفرینی و گسترش دادن و افزودن شاخ و برگ به اصل نوشته مورد تأکید است. برای تقویت بیان، زبان‌وشستن، افزایش قدرت سخنوری و نویسندگی مؤثر است.

حکایت‌نگاری و مثل نویسی خلأ طنز در هر دو کتاب را به خوبی پر کرده‌اند.

نتیجه‌گیری

آنچه به‌عنوان نتیجه می‌توان از نوشته حاضر بیان کرد، به شرح زیر است:

۱. انگیزش و رهبری فکر دانش‌آموز مهم‌ترین نقش معلم در انشانویسی است.
۲. نقش معلم در ساعت انشا تسهیل‌کنندگی است نه انتقال‌دهندگی.
۳. رهبری دانش‌آموزان برای کشف بهترین الگوها و به چالش کشاندن آن‌ها نقش مهم دیگر معلم است.
۴. موضوعات انشا باید به گونه‌ای باشند که دانش‌آموزان خود را در آن‌ها ببینند و نیازهایشان را با پروردن آن‌ها بیان کنند.
۵. موضوعات انشا بایستی متناسب با ویژگی‌های شناختی، روانی، عاطفی و... فراگیرندگان طراحی شوند.
۶. دانش‌آموزان با کتاب‌های تازه تألیف مراحل انشانویسی را به صورت عملی تجربه می‌کنند نه نظری.
۷. انشا در این کتاب‌ها دانش‌آموزان را به تفکر، خلاقیت، ابداع، نوآوری، تعامل سازنده با دیگران و... وامی‌دارد.
۸. فراگیرندگان انشا را به‌عنوان مهارتی کسب می‌کنند که در زندگی آینده‌شان تأثیر مستقیم دارد.
۹. با آموزش صحیح انشانویسی و طرح انشا، عزت‌نفس دانش‌آموزان حفظ می‌شود.
۱۰. انشا باید به‌صورت تلفیقی با سایر دروس، به‌خصوص فارسی و املا تدریس شود نه به تنهایی.

مثلاً توصیف حیاط مدرسه هم در ابتدایی است هم در این پایه. البته در سال‌های قبل هم با این مشکل روبه‌رو بوده‌ایم.

۲. در مقدمه به صراحت نوشته شده است که از دفتر استفاده کنید. بنابراین گذاشتن جاهایی برای نوشتن در کتاب توجیهی ندارد و بین معلمان و دانش‌آموزان دو دستگی ایجاد می‌کند.

۳. برخی از موضوعات انشا جذابیت لازم را برای دانش‌آموزان ندارند.

ج) فعالیت شماره سه با هدف تقویت توانایی بررسی متن، تحلیل و نقدنویسی طراحی شده است.

چند نکته درباره این فعالیت:

۱. این بخش قدرت نقد و تحلیل دانش‌آموزان را تقویت می‌کند و فضای بحث و تبادل نظر را پیش روی معلم و دانش‌آموزان قرار می‌دهد.
 ۲. اما برخی از عناوین ارزیابی‌ها درجه و معیار عینی ندارند. مثل صفحه ۲۱ پایه هفتم «انتخاب موضوع مناسب» در حالی که در صفحه ۲۰ خود مؤلف سه موضوع داده است: «پاییز؛ حیاط مدرسه، روزی را که دوست دارم تکرار شود.» وقتی مؤلف موضوع داده خود به‌خود این بند منتفی می‌شود.
 ۳. **درست‌نویسی:** این بخش با هدف آموزش هنجارهای درست‌نویسی تدوین شده است اما در عمل این اتفاق نمی‌افتد؛ چون:
- این مطالب در عین مهم بودن در لابه‌لای مطالب دروس گم شده‌اند و به‌جز دو تمرین ساده، مطلبی برای ممارست ندارند. برای رفع این نقص لازم است یکی از دروس با عنوان «هنجارهای درست‌نویسی در درس انشا» تدوین شود. نکته بعدی اینکه برخی از عناوین برخلاف رویه دروس فارسی برگرفته از متن درس‌ها نیستند؛ مثلاً صفحه ۲۲ پایه هفتم مسئله استفاده نکردن از تنوین در کلمات فارسی را گفته است. در صورتی که در متن آموزشی درس چنین مطلبی نیست.
- ۴. تصویر نویسی:** با هدف نوشتن اجزا و عناصر

- پی‌نوشت‌ها**
۱. آیین نگارش و روش آموزش انشا، سال اول - مراکز تربیت معلم، رشته ادبیات فارسی، ۱۳۶۹، ص ۳۰.
 ۲. همان.
 ۳. همان، ص ۳۵.
 ۴. همان، ص ۳۶.

منابع

۱. آیین نگارش و روش آموزش انشا، سال اول، مراکز تربیت معلم، ۱۳۶۹.
۲. آموزش مهارت‌های نوشتاری پایه هفتم، کد ۱۰۱/۱، ۱۳۹۳.
۳. آموزش مهارت‌های نوشتاری پایه هشتم، کد ۱۱۵/۱، ۱۳۹۳.
۴. کتاب معلم (راهنمای تدریس) آموزش مهارت‌های نوشتاری پایه‌های هفتم و هشتم کد ۸۱/۷، ۱۳۹۳.
۵. انزلی، حسن؛ روش نگارش یا راهنمای انشا، انتشارات انزلی، ارومیه، ۱۳۷۸.
۶. حسینی‌نژاد، سیدحسین؛ نوشتن روش اندیشه‌ها، کتاب نگارش (۴) نشر لوح زرین، چاپ اول، ۱۳۸۴.
۷. ذوالفقاری، حسن؛ کتاب کار نگارش و انشا، انتشارات اساطیر، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۸. رحیمزاده آواتسر، اسماعیل؛ روش تدریس ادبیات فارسی در دوره راهنمایی، انتشارات منوچهری، ارومیه، ۱۳۸۵.
۹. زندگی، بهمن؛ روش تدریس زبان فارسی (در دوره دبستان)، انتشارات سمت، چاپ هفتم، ۱۳۸۵.
۱۰. سرکشکی، منیره و ملک ابراهیم، امیری؛ چگونه املا و انشا بنویسیم، انتشارات رسام، ۱۳۶۹.
۱۱. سمعی، (گیلانی)، احمد؛ نگارش و ویرایش، انتشارات سمت، چاپ چهارم، ۱۳۸۲.
۱۲. طوسی، بهرام؛ هنر نوشتن و مهارت‌های مقاله‌نویسی، انتشارات ترانه، چاپ هفتم، ۱۳۷۱.
۱۳. قاسم‌پور مقدم، حسین و منوچهر مظفریان؛ کتاب معلم (روش تدریس) فارسی اول راهنمایی، ۱۳۷۴.
۱۴. کتاب معلم (روش تدریس) فارسی اول راهنمایی، ۱۳۷۴.
۱۵. ماحوزی، مهدی؛ گزارش نویسی، چاپ خاشع، چاپ یازدهم، تهران، ۱۳۸۳.
۱۶. معینیان، مهدی؛ آموزش نگارش در کلاس، چاپخانه خورشید، چاپ اول، ۱۳۸۰.
۱۷. واحد دوست، مهوش؛ شیوه‌های خواندن، نگارش و ویرایش، انتشارات جهاد دانشگاهی ارومیه، ۱۳۸۰.
۱۸. وزین پور، نادر؛ فن نویسندگی، انتشارات ترانه، ۱۳۴۹.